

بررسی روند شکل‌گیری استراتژی آزادسازی مناطق اشغالی

نویسنده: سردار سرتیپ غلامعلی رشید^۱

چکیده

تهاجم ارتش عراق به جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ شهریور سال ۵۹ با هدف براندازی و یا تضعیف کشور اسلامی ایران صورت گرفت. اقدام به این امر می‌توانست اساس وجود نظام جمهوری اسلامی را با چالش‌های بنیادی روبرو سازد و عقب راندن متجاوز از مناطق جغرافیایی بنیانهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران را سامان دهد. نویسنده به توضیح عملیاتی که توسط ارتش جمهوری اسلامی در مرحله اول جنگ در تقابل با دشمن انجام شده پرداخته و علل ناموفق بودن آنها را شرح می‌دهد ایشان اذعان کرده است زمانی که ارتش بعد از اجرای عملیاتی اولیه در مرحله اول جنگ در حالت دفاعی به سر می‌برد، در این دوران فعالیتهای سپاه پاسداران با یکسری عملیاتی متوسط شروع شد و در ادامه به بررسی مجموعه عملیاتی ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس می‌پردازد. نویسنده آنها را به عنوان عملیاتی سرنوشت‌ساز مرحله اصلی جنگ شرح می‌دهد و در خاتمه اصول استراتژی موفق آزادسازی را به این شرح عنوان می‌نماید: ۱. انطباق با واقعیت ۲. بکارگیری امکانات و مقدمات ۳. شناخت کامل از دشمن



مقدمه

تهاجم نیروهای عراقی به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و پیشروی در عمق مناطق مرزی در جنوب و غرب کشور و محاصره و اشغال برخی از شهرها در وضعیتی که این کشور عمیقاً در

۱- این مقاله براساس سخنرانی سردار رشید در سمینار مشورتی فرماندهان سپاه در آبان سال ۷۴ تنظیم شده است. متن این سخنرانی توسط دبیرخانه سمینار از نوار پیاده و در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اصلاح و بازنویسی شده و در فصلنامه تاریخ جنگ شماره ۱۱، بهار ۱۳۷۵ به چاپ رسیده است. با توجه به اهمیت آن به منظور چاپ در نشریه سیاست دفاعی پس از تهیه مقدمه و پاورقی و اصلاحات و بازنگاری ایشان، برای درج آن اقدام شد.

گرداب حوادث سیاسی ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی گرفتار شده بود، اساساً با هدف تضعیف و یا براندازی نظام اسلامی نوپای حاکم بر ایران، سازماندهی و اجرائش. تحقق پیروزی دشمن و ادامه حضور در مناطق اشغالی می‌توانست تداوم حیات سیاسی - نظامی و اجتماعی، نظام انقلابی ایران را با چالشهای بنیادین روبرو سازد. بنابراین از ادسازی مناطق اشغالی و بیرون راندن متجاوزان، بدون تردید بر جسته‌ترین سرفصل تاریخ جنگ و انقلاب و به عبارت رساتر، تاریخ معاصر ایران، در ۲۰ سال اخیر می‌باشد. دفع تجاوز دشمن گرچه به شکل بیرون راندن متجاوزان از مناطق جغرافیایی خاصی شامل مناطق مرزی استانهای خوزستان و برخی از شهرها بروز یافت، ولی باطن و محتوای آن ناظر بر شکل‌گیری مفهوم جدیدی از امنیت و ثبات برپایه منابع داخلی و در ستیزی همه‌جانبه با تهاجم خارجی است که به لحاظ محتوای، ساختار، ابزار و روش تأمین آن به گونه‌ای اساسی با دوره‌های دیگر تاریخ ایران بویژه تاریخ معاصر، متفاوت است. در نتیجه تحقق این مفهوم، بنیانهای امنیتی نظام جمهوری اسلامی سامان یافت و تداوم حیات سیاسی - نظامی و اجتماعی آن، تضمین گردید. حال با توجه به این ملاحظات، اهمیت بررسی روند شکل‌گیری از ادسازی مناطق اشغالی تا اندازه‌ای روشن می‌شود؛ بویژه اینکه این بررسی از سوی یکی از فرماندهان برجسته و ارشد نظامی جنگ صورت گرفته است. سردار رشید از جمله معدود فرماندهانی است که در شکل‌گیری این مقطع حساس از جنگ نقشی مؤثر و تعیین کننده داشته است. این ملاحظه برارزش و اهمیت این سخنرانی می‌افزاید که امیدواریم مورد توجه خوانندگان محترم قرار گیرد.



چهار عملیات، ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس مقطع حساسی از دوران جنگ را به خود اختصاص داد؛ به گونه‌ای که به عنوان عملیاتهای اصلی دوره سرنوشت‌ساز جنگ مطرح هستند. در جلسه گذشته^۱ مقایسه‌ای بین سال اول و دوم جنگ صورت گرفت با این نتیجه که در سال اول جنگ، استراتژی ما ناموفق بود و لذا با اجرای آن،

۱- سمینار مشورتی فرماندهان سپاه به صورت پی در پی تشکیل می‌شود، در اینجا به مباحث پیشین، که در سمینار قبلی مطرح شده است، اشاره دارد.

شکست خوردیم. در سال دوم جنگ، پیروزیهای درخشانی داشتیم که علت اصلی آن، حضور جدی سپاه و بسیج در صحنه رزم بود؛ در این باره از کلام مقام معظم رهبری کمک گرفتیم و توضیح نسبتاً کاملی ارائه گردید. البته در آن جلسه اشاره شد که حضور سپاه و بسیج با تمام خصوصیاتش مطرح بود؛ خصوصیات هم‌چون قدرت تصمیم‌گیری و فرماندهی سپاه، توانایی تک‌تک فرماندهان در سازماندهی و به کارگیری نیرو، طرح‌ریزی مانور و روحیه بالای برادران سپاه و بسیج و سایر مواردی که به آنها اشاره شد. برای تجزیه و تحلیل این دوره و نتیجه‌گیری از تمام فعالیتهای انجام شده در این مدت زمانی و به منظور به دست آوردن مبانی نظری برای تکرار این موفقیتها، لازم است بحث خود را در سه محور مجزا به شکل زیر دنبال کنیم:

الف: زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری این دوره

ب: ویژگیهای عملیاتی دوره مورد نظر

ج: نتایج کامل موفقیتهای کسب شده در این دوره

زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری دوره:

این دو مسأله عمدتاً از شرایط حاکم بر کشور متأثر است و به نوعی می‌توان آن را نتیجه تناقض وضعیت انقلابی حاکم بر ایران و تمایلات لیبرالها در عرصه سیاسی و نظامی کشور دانست. در این دوران لیبرالها می‌خواستند با تسلط بر ساختار سیاسی و نظامی کشور، حاکمیت خود را تثبیت کنند، اما عدم تطابق دیدگاه‌های آنان با وضعیت انقلابی حاکم بر ایران، باعث به وجود آمدن دو مسأله، شامل بن‌بست نظامی در جبهه‌ها و بی‌ثباتی سیاسی در صحنه داخلی شد. بن‌بست نظامی که در اثر شکست استراتژی نظامی حاصل شده بود، می‌توانست پیامدهای خطرناکی برای منافع ملی کشور به دنبال داشته باشد. به هر حال در شش ماهه اول جنگ، یعنی تا ۲۶ اسفندماه سال ۵۹، چهار عملیات بزرگ به فرماندهی بنی‌صدر طرح‌ریزی شد که همه آنها شکست خورد. این چهار عملیات به شرح زیر می‌باشد.

عملیات اول: در ۲۳ مهرماه سال ۵۹ در جسر نادری بود که می‌خواستند با دو لشکر، تمام

منطقه عملیات فتح‌المبین^۱ را آزاد کنند. در طرح، این‌گونه پیش‌بینی شده بود که وقتی به فکه رسیدند به سمت‌العماره و جزابه پیشروی، و از تعاقب و اسفاده از موقعیت بهره‌گیری کنند. **عملیات دوم:** در سوم آبان سال ۵۹ در جاده ماهشهر- آبادان بود که با یک لشکر می‌خواستند محاصره آبادان را بشکنند که در این عملیات هم شکست خوردند. **عملیات سوم:** در ۱۶ دیماه سال ۶۰ عملیات نصر یا هویزه بود که می‌خواستند بادو لشکر زرهی، کل منطقه عملیاتی بیت‌المقدس را آزاد کنند، خرمشهر و تنومه را هم بگیرند و در شرق بصره پدافند کنند. این عملیات هم شکست خورد. **عملیات چهارم:** در تاریخ ۳۰ دیماه سال ۵۹ عملیات توکل در همان جاده ماهشهر- آبادان بود که باز هم برای شکستن حصر آبادان طرح‌ریزی شده بود که آن هم شکست خورد. بنی‌صدر بعد از این تلاشهای ناکام، سه راه حل پیش روی خود داشت:

- ۱- این سلسله عملیات را ادامه بدهد که توان و روحیه لازم وجود نداشت.
 - ۲- تغییر روش و بینش بدهد و حضور سپاه و بسیج را بطور قطعی در صحنه جنگ بپذیرد که این راه حل با توجه به تفکر بنی‌صدر و بافت حاکم بر ارتش امکانپذیر نبود.
 - ۳- با تشدید بحران داخلی به موفقیت‌های سیاسی اتکا کند و از این طریق، هم شکست در جبهه‌های جنگ را پوشش دهد و هم قدرت خود را در داخل تثبیت کند.
- بنی‌صدر در رویارویی با این سه راه حل به دلایل گوناگون، راه سوم را انتخاب، و در مقابل حضرت امام (س) و یاران ایشان صف‌آرایی کرد. با آغاز مرحله سیاسی تلاشهای بنی‌صدر، ارتش در صحنه جنگ، استراتژی آفندی را رها کرد و به پدافند پرداخت. این نکته را برادران ارتش در یکی از کتابهایشان آورده‌اند.^۲
- در این فاصله که ارتش در لاک دفاعی خود به سر می‌برد، عملیاتهای محدودی توسط سپاه صورت گرفت که موفقیت‌هایی را در پی داشت. این موفقیتها شالوده و ماهیت پیروزیهای بعدی جنگ را شکل داد و موجب شد تا با به‌کارگیری اصول انقلابی حاکم بر این عملیاتها

۱- در جنوب غربی دزفول واقع در غرب روخانه کرخه

۲- رک. به: کتاب ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس- جلد سوم- اشغال خرمشهر و

شکستن حصر آبادان- سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران- بهار ۷۳ ص ۲۰۸ تا ۲۱۰

صحنه جنگ به نفع جمهوری اسلامی تغییر یابد. نکته قابل استنتاج از این تحولات این است که باید عامل موفقیت‌های بعدی جنگ را در این تغییرات جستجو کرد. در تحقیقاتی که اخیراً^۱ توسط فرماندهان سپاه درباره جنگ صورت گرفته این موضوع به صورت کامل ریشه‌یابی شده است که به چه دلیل فرماندهی در سال اول جنگ می‌خواست با دو لشکر، چنین سرزمین وسیعی را آزاد کند. قطعاً اصولی در کارشان بوده است و از ضوابطی هم پیروی کرده‌اند. برای پاسخ به این پرسش با دو تن^۲ از برادران قدیمی ارتش که نظام سابق را هم درک کرده‌اند صحبت کردیم و از آنها سؤال شد، واقعاً طرز تلقی شما از تهدیدات چه بوده است؟ چگونه می‌خواستید در مقابل عراق در منطقه‌ای با طول، عرض و عمق بسیار زیاد اقدام به عملیات کنید و پیروز شوید؟

با به بن‌بست رسیدن این مرحله در این سلسله عملیاتها، برادران سپاه به فکر چاره افتادند و ابتدا عملیاتهای محدود و سپس بزرگ دوران آزدسازی را طرح‌ریزی کردند. سلسله عملیات محدود از ۲۶ اسفندماه سال ۱۳۵۹ شروع شد و یک حلقه اتصالی بین ۶ ماهه اول جنگ و سال دوم آن به وجود آورد.

عامل دومی که در شکل‌گیری این دوران نقش تعیین‌کننده‌ای داشت بی‌ثباتی سیاسی بود که در آن زمان در داخل کشور کاملاً^۳ به وجود آمد و توسط بنی‌صدر از ۱۴ اسفندماه شروع شد. نتایج این دو وضعیت یعنی بن‌بست نظامی، که حاصل شکست یک استراتژی نظامی بود، و بی‌ثباتی سیاسی، که حاصل عملکرد فعالانه و منسجم ضد انقلاب در داخل و با حمایت قدرتهای خارجی بود، تمام حیات و بقای نظام را تهدید می‌کرد. آیا نظام ما- نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران- می‌توانست بدون حل این دو معضل به حیات خود ادامه بدهد؟ در وضعی که دشمن با یک تهاجم سنگین، بخشی از خاک جمهوری اسلامی

۱- برابر تدبیر فرماندهی محترم کل سپاه رخدادهای جنگ برحسب اهمیت آن در چهارده پروژه تعریف و به فرماندهان و مسئولان سپاه واگذار شده است. سردار رشید مسئولیت تدوین عملیات طریق‌القدس و فتح‌المبین را برعهده دارند.

۲- برای این منظور جلسه‌ای در مرکز تحقیقات استراتژیک دفاعی تشکیل شد و طی دو جلسه پیاپی درباره مسائل یاد شده بحث و بررسی صورت گرفت.

را اشغال کرده است و در درون کشور نیز توسط رئیس جمهور (بنی صدر) بحران داخلی شدیدی حکمفرما بود، آیا باز هم نظام نوپای اسلامی ما می توانست تداوم یابد؟ به هر حال با لطف خداوند و تدابیر حضرت امام و تلاش نیروهای انقلابی در خط امام این بحرانها پشت سر گذاشته شد. شاید لطف خدا بود که این پیروزیها در زمانی به دست آمد که لیبرالها از صحنه نظامی و سیاسی کشور خارج شده بودند و نیروهای حزب الله بسیج، سپاه و عناصر حزب اللهی ارتش زمام امور سیاسی و نظامی را در دست گرفته بودند.

ویژگیهای عملیاتی دوره مورد نظر

در این دوره، چهار عملیات اساسی به نامهای ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس انجام شد. که در نتیجه سرزمینهای مهمی در جنوب کشور از اشغال ارتش عراق خارج شد.

هر کدام از این عملیاتها ویژگیهای خاصی دارد که در اینجا ارزیابی می شود. ویژگی برجسته عملیات ثامن الائمه^۱ «هماهنگ بودن» این عملیات است. البته ممکن است تحلیلهای دیگری هم باشد به عنوان مثال شاید سردار صفوی مسئول پروژه ثامن الائمه^۲ در بررسیهای خود به نکته جدیدی رسیده باشند، ولی ما این ویژگی را دریافتیم. در عملیات ثامن الائمه برای اولین بار یک عملیات هماهنگ در این سطح بین برادران ارتش، سپاه و بسیج انجام شد که نتیجه عمده و برجسته آن، «اعتماد به نفس» بود. بعد از این عملیات احساس کردیم می توانیم گامهای بلندتری برداریم. اگرچه این عملیات، نتایج نظامی و سیاسی متعددی را در برداشت، اما این نتیجه، برجسته ترین دستاورد نظامی برای ما بود. پس از این عملیات بود که مانسبت به انجام عملیات بعدی امیدوارتر شدیم.

ویژگی اصلی عملیات طریق القدس^۳ «به کارگیری نیروهای مردمی است» که برای

۱- عملیات ثامن الائمه در تاریخ ۶۰/۷/۵ در منطقه شرق رودخانه کارون و با هدف شکستن محاصره آبادان انجام و با پیروزی به پایان رسید.

۲- سردار صفوی در پروژه های چهارده گانه تدوین تاریخ جنگ مسئولیت تدوین عملیات ثامن الائمه و بیت المقدس را برعهده دارند.

۳- عملیات طریق القدس در تاریخ ۶۰/۹/۸ در منطقه عمومی غرب اهواز و با اهداف آزادسازی بستان و تأمین

اولین بار در سطحی گسترده بکارگیری شد. البته در سلسله عملیات بعدی هم به کارگیری مردم چشمگیر بود، اما در این عملیات وقتی ما ۳۰ گردان نیروی سپاهی و بسیجی را برای اولین بار در عملیات طریق‌القدس وارد عمل کردیم، می‌توانیم بگوئیم برای اولین بار از بسیج مردمی و سپاه به صورتی گسترده استفاده کردیم و نتیجه عالی گرفتیم. نتیجه عمده‌ای که این عملیات در برداشت «ایجاد ثبات سیاسی و برتری نظامی» در آن دوران حساس بود؛ یعنی ثابت کردیم که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند هر دو بحران را حل بکند. هم در داخل ضد انقلاب را متلاشی، و تأمین ثبات کند و هم در جبهه‌های جنگ توازن قوا را به نفع خود تغییر دهد.

ویژگی عملیات فتح‌المبین^۱ قدرت تصمیم‌گیری فرماندهی و جنگ فراگیر مردمی بود. البته در تحلیل عملیات بیت‌المقدس^۲، مشخص است که این عملیات دو سه برابر بزرگتر از عملیات فتح‌المبین بود، ولی فتح‌المبین نیز خیلی وسیع بود، در آن وضعیت و در آن دوران سخت، این اراده فرماندهی کل سپاه بود که توانست تصمیم بگیرد و این عملیات را انجام دهد، در حالی که بسیاری از فرماندهان، تصمیم سردار رضایی را به آن شکل قبول نداشتند. نتیجه‌ای که از این عملیات عاید ما می‌شد **خرد کردن دشمن در ذهن و باور خودش بود**. اگر دشمن تا آن موقع تردید داشت که با این موجی که شروع شده می‌تواند مقابله کند در فتح‌المبین شکست خورد، یعنی در باور خودش هم شکست خورد و یقین کرد که این موج، قصه را تمام می‌کند و به همین دلیل در بیت‌المقدس دیگر نتوانست مقاومت و مقابله کند. در بررسی‌های انجام شده، ویژگی عملیات بیت‌المقدس، **مانور و عبور از رودخانه شناخته شد**. در بحث‌های مربوط به این عملیات به این نتیجه رسیدیم که این ویژگی حاصل خلاقیت فرماندهی است و در چنین وضعیتی است که تدبیر فرماندهی سپاه با وجود راه کارهای دیگر، عبور از رودخانه را مورد تأکید و توجه قرار می‌دهد. البته این راه کارها، هم

ادامه پاورقی از صفحه قبل

مرزهای بین‌المللی انجام شد که با پیروزی کامل به پایان رسید.

- ۱- عملیات فتح‌المبین در تاریخ ۶۱/۱/۲ در منطقه غرب رودخانه کرخه و باهدف آزادسازی منطقه انجام شد.
- ۲- عملیات بیت‌المقدس در تاریخ ۶۱/۲/۱۰ در منطقه غرب رودخانه کارون و با هدف آزادسازی منطقه انجام شد.

مورد توجه دشمن بود و یکبار هم توسط ارتش عمل شد و بدون نتیجه ماند. به همین دلیل چگونگی مانور و عبور از رودخانه یک ابتکار عمل به شمار می‌رفت که در واقع، محصول تفکر سردار رضایی است. ایشان در مانور عملیات به نقطه ثقل دشمن توجه کردند و قلب منطقه را نشانه گرفتند. با تدبیر ایشان سه نقطه حساس دشمن (نشوه، بصره و خرمشهر) به خطر افتاد و حتی نیروهایی که در دروازه اهواز بودند با تهدید جدی روبرو شدند. این منطقه همان منطقه‌ای است که حول وحوش پاسگاه زید بود و ایستگاه حسینیه قلب منطقه بیت‌المقدس است. در واقع اگر این تدبیر، این مانور و عبور از رودخانه را از عملیات بیت‌المقدس بگیریم، این عملیات چیز دیگری نخواهد داشت و بطور قطع موفق نمی‌شود. نتیجه‌ای که در عملیات بیت‌المقدس خیلی برجسته ظاهر می‌شود «سازمان و نقش تعیین کننده سپاه» است. در این عملیات سازمان سپاه بیشتر از گذشته مطرح و تثبیت شد و همه باور کردند که سازمان سپاه آنقدر قدرتمند شده که می‌تواند در جبهه نقش آفرینی کند و بسیاری از این پیروزیها بدون حضور سپاه امکانپذیر نیست. همانگونه که در جلسه گذشته هم عرض کردم، مقام معظم رهبری بر این نکته تأکید دارند و می‌فرمایند:

«ما خرمشهر را هم می‌توانستیم سال اول جنگ آزاد کنیم، اینکه چرا نشد دلیلش محاسبه غلط بود و عدم محاسبه.»^۱

و می‌فرمایند که:

«من معتقدم حضور جدی سپاه و بسیج در صحنه رزم بود که ما را موفق کرد و توانستیم خرمشهر را آزاد بکنیم و اگر همین کار را در سال اول جنگ انجام می‌دادند هم، خرمشهر آزاد می‌شد.»^۲

نتایج کلی موفقیت‌های به دست آمده در این دوره

در مورد نتایج این چهار پیروزی و آزادسازی مناطق اشغالی دو نتیجه کلی در ابعاد نظامی و سیاسی وجود دارد: یکی در **بعد نظامی** است. وقتی ما به این شکل، دوره را تحلیل می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم که فتح خرمشهر حاصل یک استراتژی برتر بوده است؛ همانگونه که آن

۲. همان

۱- مصاحبه مقام معظم رهبری با مجله پیام انقلاب ۱۳۶۰/۱۲/۲۵

چهار عملیات در ۶ ماهه اول جنگ، حاصل یک استراتژی شکست خورده بود. اگر چهار* عملیات را در یک نگاه کلی ببینیم، مشاهده می‌کنیم که پشت سرهم پیروز می‌شود و کل سرزمینهای اشغالی را در جنوب آزاد می‌کند و منجر به فتح خرمشهر و آن پیروزی عظیم می‌شود. این نشانه استراتژی برتر نظامی مادر جمهوری اسلامی است. حالا اگر این موفقیت بزرگ را ریشه‌یابی بکنیم به موضوع مشترک این چهار عملیات (سپاه) می‌رسیم. همانطور که عرض کردم اگر سپاه را از بیت‌المقدس و سه عملیات قبلی حذف کنیم، همه آن سلسله عملیات زیر سؤال می‌رود. حال اگر این نکته را قبول داشته باشیم که صحنه نبرد در دوران جنگ، میدان تحقق استراتژی طرفین است، باید بپذیریم که یک کشور در وضعیت جنگ، بدون برخورداری از اندیشمندان نظامی، متفکران نظامی و رهبران نظامی قادر به اتخاذ و اجرای استراتژی موفق نخواهد بود؛ یعنی نمی‌توانیم بگوییم که در یک دوره جنگ، بدون دلیل و بدون استراتژی و موفق شدیم. مسلماً این موفقیت ریشه دارد. باید ببینیم صاحبان این استراتژی نظامی چه کسانی بودند و چه کسانی آن را انجام دادند؟ اینطور نیست که نیروی مسلحی بدون استراتژی نظامی حرکت بکند و موفق هم بشود. چنانکه می‌دانیم در هر استراتژی موفق، سه نکته وجود دارد که در استراتژی‌آزادسازی این سه نکته مشاهده می‌شود:

۱- انطباق با واقعیت

۲- به کارگیری امکانات و مقدرات

۳- شناخت کامل از دشمن

اگر با این ملاحظات به چهار عملیاتی که با فرماندهی بنی‌صدر در ابتدای جنگ صورت گرفت، بنگریم برآحتی می‌توان علت عدم موفقیتها را درک کرد. همانطور که گفته شد طرحهای اجرا شده در این عملیاتها از الگوهای زمان شاه پیروی می‌کرد و با واقعیتهای نظامی منطبق نبود. شناخت از دشمن همان شناخت زمان شاه بود و در سازماندهی طرحها به توان سپاه و بسیج توجهی نمی‌شد.

نتیجه دوم بعد سیاسی می‌باشد. در واقع فتح خرمشهر ماهیت جنگ را دستخوش تغییر

* عملیات جسر نادری، عملیات جاده ماهشهر آبادان، عملیات نصر ۹ یا هویزه و عملیات توکل

کرد. بیش از این دشمن و حامیانش چنین تصور می‌کردند. بن‌بست نظامی در جنگ و بی‌ثباتی سیاسی در داخل، نظام جمهوری اسلامی را از پای در خواهد آورد. ولی با پیروزیهای نظامی و برتری غیرقابل انکار ایران بر عراق کسانی که جنگ و ادامه آن را برای تضعیف و احتمالاً براندازی نظم جمهوری اسلامی دنبال می‌کردند در برابر واقعیات جدید قرار گرفتند بدین معنا که ایران با پیروزیهای نظامی قادر به غلبه بر عراق و در نتیجه تغییر ژئوپلتیک منطقه خواهد بود. در همین چهارچوب پس از فتح خرمشهر به منظور مهار پیروزیهای ایران و نتایج احتمالی آن در سطح منطقه علاوه بر تقویت سیاسی - نظامی - اقتصادی عراق، فشار افزایش یافته را بر جمهوری اسلامی وارد کردند که به حوادث و تحولات مرحله بعدی جنگ مربوط می‌شود.